

مطالعه تطبیقی ادبیات اقتصاد تاب‌آور و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی؛

ارائه یک مدل مفهومی ترکیبی^۱عادل پیغامی^۲سمانه منصوری^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۵

فصلنامه آفاق امنیت / سال هفتم / شماره بیست و پنجم - زمستان ۱۳۹۳

چکیده

طی نیم قرن گذشته افزایش مخاطرات، تنش‌ها و بحران‌ها، به خصوص در حوزه مالی و اقتصادی، اهمیت مطالعه و تحقیق برای کنترل و مدیریت این تنش‌ها را در قالب مباحث مربوط به تاب‌آوری و مقاوم‌سازی اقتصادی افزایش داده است. این ملاحظات که نمی‌تواند فارغ از ابعاد انسانی باشد: از آنجایی که هدف اصلی برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی نیز همواره بهبود زندگی بشر بوده است و این امر همیشه ارتباط مستقیم با شاخص‌های اقتصادی داشته است، بنابراین، برای داشتن مدل‌های جامع‌تر و کامل‌تر رفاه، ورود علوم تولیدشده در حوزه تاب‌آوری اقتصادی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های رفاهی لازم و ضروری خواهد بود. این امر تاکنون در ادبیات متعارف تاب‌آوری و برنامه‌ریزی رفاه مشاهده نشده است. براساس همین ضرورت، هدف مقاله پیش رو پاسخ به این پرسش است که آیا نقاط اشتراک و تلاقی میان دو ادبیات برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی وجود دارد؟ کدام نقاط تلاقی یا مؤلفه‌های مشترک کدام می‌توانند هم‌زمان نیازها و خواسته‌های هر دو عرصه را پاسخ دهند؟ به همین منظور، با مروری مقایسه‌ای بر ادبیات و سپس استخراج و تطبیق شاخص‌های مطرح در دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، این نتیجه حاصل شد که اشتراک مفهومی بالایی بین این دو حوزه وجود دارد. حاصل این تطبیق ارائه یک مدل مفهومی ترکیبی به نام لگاتوم - PEOPLES است باعث می‌شود نه تنها متخصصان و سیاست‌گذاران این دو عرصه امکان هم‌زبانی و اشتراک هدف یابند و دست به ساختن شاخص‌های ترکیبی توأمان بزنند، بلکه ورود سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به عرصه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی نیز ممکن شود.

واژگان کلیدی

برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی، تاب‌آوری اقتصادی، شاخص لگاتوم، مدل مفهومی ترکیبی

۱. مقاله فوق برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد می باشد که در دانشگاه علامه طباطبایی (ره) دفاع شده است.

۲. دکتری اقتصاد، استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

۳. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

مقدمه

بحران بزرگ دهه ۳۰ میلادی توجه عموم برنامه‌ریزان و مدیران اجتماعی و اقتصادی را به مقوله رفاه اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های آن معطوف کرد. بعد از آن بود که دولت-رفاه شکل گرفت سرمایه‌داری سر عقل آمد و دانست که بحران ناشی از بسیاری از اصول و مبانی سرمایه‌داری، مثل قانون مفرغ دستمزدهاست که ابعاد انسانی را نادیده گرفته بود. لذا برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی برای طراحی انواع ساختارها و نهادهای رفاهی در دستور کار قرار گرفت و ادبیات موسعی نیز به نام اقتصاد رفاه و برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی تعریف شد. اما این بازنگری، پایان بحران‌های سرمایه‌داری نبود. در نیم قرن گذشته، نوسان‌ها و بحران‌های مداوم و مکرر به ویژه در دنیای سرمایه‌داری و حرکت‌های سینوسی اقتصادهای پیشرفته، اقتصاددانان را متوجه ضرورت مقاوم‌سازی اقتصادی کرد. مسئله آنجا مهم‌تر شد که دیگر بحران و شوک‌های اقتصادی صرفاً ناشی از شرایط منفی و ضعف نبودند، بلکه پیگیری روز افزون مسئله رشد و پیشرفت، ذاتاً و دائماً شوک‌هایی را به نظام اقتصادی و اجتماعی وارد می‌ساخت. زیرا پایبندی به نوآوری و حرکت به سوی اقتصاد دانش‌بنیان بدون خروج از وضعیت‌های تعادلی قدیمی و رهایی از وابستگی‌ها به مسیر، ممکن نبود. تخریب‌های سازنده، به تعبیر شومپیتر، و کنار گذاشتن ساختارهای فرسوده و مستهلک که لازمه پیشرفت اقتصادی است، ماهیت جدیدی از بحران‌ها را علاوه بر بحران‌های همیشگی منفی، پیش روی اقتصاددانان قرار داد. لذا پروسه مقاوم‌سازی اقتصاد مشتمل بر انواع پروژه‌های تاب‌آوری، ضدشکنندگی، آسیب‌پذیری، پایداری، استحکام و به هم پیوستگی، و چندین سازه تئوریک دیگر به دستور کار اقتصاددانان افزوده شد تا هم قبل از پیشرفت و جهش اقتصاد و هم در حین تحولات مثبت اقتصادی بتوانند بحران‌های مثبت و منفی را پیشگیری یا تمشیت کنند. اما همچون اغلب موارد سابق در دنیا، غرب که در جمع بین ابعاد انسانی و رشد دست‌کم در بدو امر، عاجز و غافل است، در این جریان نیز دو مقوله رفاه اجتماعی و مقاوم‌سازی اقتصادی تاکنون توأمان مورد توجه نبوده و ادبیات علمی و تجارب عملی هریک فارغ و مستقل از دیگری رشد کرده‌اند. در نتیجه، به ویژه در بین اقتصاددانان و برنامه‌ریزان رفاهی ایرانی، ایجاد تفاهم تئوریک و مشارکت عملی در مقاوم‌سازی اقتصادی نیازمند داشتن یک مدل مفهومی مشترک است.

لذا در مقاله پیش رو تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود: آیا برمبنای نظریه‌های علمی متعارف، میان دو ادبیات رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی نقاط



مشترک مفهومی وجود دارد؟ آیا این نقاط تلاقی می‌تواند مدل‌های مفهومی را برای دستیابی به مؤلفه‌های مشترک هر دو حوزه معرفی کند، به نحوی که نیازها و دلالت‌های سیاستی ناظر بر رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی را توأمان فراهم کند؟ بنظر می‌رسد مثبت بودن پاسخ به این سوال‌ها می‌تواند زمینه علمی و عملی را برای بازتبیین دلالت‌های رفاهی اقتصاد مقاومتی فراهم کند و برنامه‌ریزان و نخبگان عرصه رفاه اجتماعی کشور را با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آشتی دهد.

پیشینه و سابقه تحقیق

در سال‌های اخیر بزرگ‌ترین رکود جهانی پس از رکود دهه ۳۰ میلادی رقم خورده است. بحران‌های اقتصادی و مالی در شکل‌گیری این بحران نقشی بسزا و کلیدی ایفا کرده‌اند. البته ممکن است دلایل دیگری نیز در ریشه آن نهفته باشد. بر همین مبنا تاکنون بحث‌های گسترده‌ای برای اصلاح روندهای گذشته آغاز و دنبال شده است. اصلاح و تعدیل سازوکار، بازار آزاد، اعمال نظارت‌های کارآمد، تنظیم بازارهای مالی و سیاست‌های تثبیت اقتصاد کلان، نمونه‌هایی از روش‌های پیشنهاد شده است، (گیلفاسون و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۱). در کنار همه این بحث‌ها، اخیراً ادبیات علمی جدیدی مطرح و تقریباً به یک گفتمان عمومی تبدیل شده و آن، بررسی مفهوم تاب‌آوری است. اگرچه این مفهوم در ابتدا در روان‌شناسی و زیست‌شناسی کاربرد داشته است، اما در حال حاضر، در رشته‌های مختلف علمی به عنوان یک ویژگی مهم و قابل استناد برای اشیاء، نهادها، سیستم‌ها و جوامع مورد بررسی قرار می‌گیرد (پارسنز، ۲۰۱۰ به نقل از مارتین و سانلی، ۲۰۱۳: ۲)؛ به طوری که در سال‌های اخیر مباحث مربوط به مقاومت‌سازی و تاب‌آوری به خصوص در حوزه اقتصادی بین نظریه‌ها و ادبیات متداول اقتصاد دنیا جای خود را باز کرده و در ادبیات آکادمیک و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت‌ها از جایگاه مهمی برخوردار شده است.

اما نکته مهم آنکه بحران‌های اقتصادی و مالی ایجاد شده به واسطه اثرگذاری که بر سیستم اقتصادی دارد، می‌تواند رفاه انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. تأثیرگذاری منفی قابل توجه بر دارایی‌ها، عوامل تولید، میزان تولید، اشتغال، از دست دادن امرار معاش و درآمد، سهمیه بندی در برخی بخش‌ها و مالیات بر درآمد نمونه‌هایی از این اثرگذاری‌ها هستند (هالیگیت، ۲۰۱۴: ۲). بر همین مبنا، بحران‌های اخیر سبب شده تا مقوله هزینه- فایده دولت‌های رفاهی و سازوکار تسهیم و تخصیص بهینه



ریسک‌ها در آن به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد؛ به نحوی که با ایجاد این بحران‌ها، توجه مجدد به سیاست‌های رفاهی همچون نیاز به موسسات جهانی، همکاری‌ها و وابستگی‌های متقابل برای دستیابی به توسعه اقتصادی ضروری شده و در دستور کار قرار گرفته است. (گیلفاسون و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۲) به عبارت دیگر در سده اخیر سازوکار اصلی جوامع رفاهی برای برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و ایجاد نظم، عملکردی بین نظام سرمایه‌داری و سیاست‌های دموکراتیک بوده است. اما در دهه‌های اخیر به وضوح مشاهده می‌شود که این روش دیگر پاسخگو نیست؛ به طوری که اضطراب اینکه دیگر نمی‌توان به این روش اتکا کرد، در میان برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران رفاهی به روشنی مشاهده می‌شود زیرا در عصر حاضر، جوامع رفاهی در معرض و به عبارتی، در خطر از دست دادن ثبات گذشته خود هستند. در نتیجه، کسب توانایی‌ها برای مقابله با این ناپایداری‌ها و بازگشت به نظم و ثبات، لازمه سیاست‌های رفاهی امروز خواهد بود (شیمین، ۲۰۱۱: ۱). لذا از آنجایی که بحران‌ها، مخاطرات و تغییرات، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی امروز است لازم و ضروری خواهد بود که سیاست‌های رفاهی هم از علوم تولیدشده در حوزه رویارویی و مدیریت این بحران‌ها عقب‌ماند و با در نظر گرفتن این شرایط، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح به عمل آید.

نگاهی اجمالی به گستره این دو ادبیات تاب‌آوری، برنامه‌ریزی رفاهی و تاریخچه اندیشه‌ها و نظریه‌پردازی‌هایی که داشته‌اند، نشان می‌دهد که نخبگان و فعالان هیچ یک از این دو عرصه، ورودی به حوزه طرف مقابل و استفاده میان‌رشتگی از هم نکرده‌اند. در جست‌وجوی منابع علمی هیچ مطالعه‌ای که به طور مستقیم نشان‌دهنده ورود اقتصاددانان تاب‌آوری به عرصه برنامه‌ریزی رفاه و یا توجه و کاربری متخصصان و برنامه‌ریزان رفاه اجتماعی از ادبیات اقتصاد تاب‌آوری باشد، یافت نمی‌شود. این درحالی است که به نظر می‌رسد نمی‌توان و نباید تاب‌آوری اقتصادی را از تبعات و ملزومات رفاه اجتماعی و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آن مستقل دید، همچنان که که عملاً برنامه‌ریزی برای رفاه اجتماعی را نمی‌توان و نباید از مقوله تاب‌آوری و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی منفک دانست. گاه تاب‌آوری اقتصادی مقدمه دستیابی به رفاه اجتماعی است، البته بدون داشتن حداقل‌هایی از نیازمندی‌های رفاهی، تاب‌آوری ممکن نیست. ضمن اینکه رفاه، نتیجه و شاخص تحقق مقاومت و استحکام اقتصادی است. این ترابط و تلازم دوسویه شهودی، پایه ما در این مقاله در یافتن اشتراکات مفهومی و نظری خواهد بود.



روش تحقیق

اقتضای مسئله و سؤال اصلی این مقاله، مطالعه‌ای تحلیلی و تطبیقی است که با روش کتابخانه‌ای و اسنادی ضمن مروری جامع بر دو ادبیات متمایز و مستقل شناخته‌شده، به مقایسه چارچوب‌های مفهومی رایج و یافتن نقاط اشتراک و افتراق بین آنها و فراوانی نقاط تلاقی پرداخته است. با یافتن مدل‌های مفهومی که بیشترین ترابط مفهومی را نشان می‌دهند و استقراء مؤلفه‌های مشترک، سعی می‌کنیم یک زبان مشترک به دست آوریم و زمینه را برای دادوستد علمی و عملی بین متخصصان دو عرصه فراهم کنیم.

تلاقی ادبیات رفاه اجتماعی با اقتصاد تاب‌آور

به منظور یافتن نقاط اشتراک و افتراق احتمالی دو ادبیات به ظاهر متمایز و مستقل از هم، ابتدا به معرفی جداگانه هریک می‌پردازیم و سپس با تمرکز بر مدل‌ها و شاخص‌های مفهومی مهم و جامع در هریک، نسبت این دو را با یکدیگر در بوته بررسی قرار می‌دهیم.

مفهوم رفاه اجتماعی

امروز مفهوم «رفاه» «بهبیستی» به معنی بهتر زیستن، از جایگاه ویژه و چندرشتگی برخوردار شده؛ به نحوی که تحقیق و پژوهش در این زمینه مورد توجه جدی جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و عالمان سایر رشته‌های مرتبط قرار گرفته است. براساس همین توجه ویژه، دیگر دامنه و گستره رفاه فقط به افشار آسیب‌پذیر یا گروه‌هایی خاص از جامعه محدود نشده، بلکه ابعاد وسیع‌تری را شامل شده است. به این معنی که رفاه اجتماعی در یک تعریف جامع در گرو برخورداری همه افراد جامعه از مؤلف‌های رفاه همچون: سلامتی، امنیت، آزادی، آموزش، اشتغال و... است (بوم و همکاران، ۲۰۰۱، به نقل از هزار جریبی، ۱۳۹۱: ۹). البته هنوز یک تعریف واحد و جهانی از مفهوم رفاه ارائه نشده و در متون و مقالات نگاشته‌شده در حوزه رفاه، با تعاریف مختلفی از رفاه اجتماعی مواجه می‌شویم. برای نمونه، میجلی (۱۳۷۸) در کتاب «سیاست‌های اجتماعی جهان» با اشاره به حالتی از سلامت، شادی و سعادت می‌گوید: واژه «Welfare»، خوب بودن و مساعدتی به ویژه به صورت پول، غذا و دیگر مایحتاج ضروری است که به نیازمندان ارائه می‌شود و معنای خوب بودن و خوش دارد. همچنین متضمن ارتباط رفاه با جامعه و مقابله با خطراتی است که در زندگی جمعی با آن روبه‌رو هستیم. در مجموع این مفهوم به معنای حالتی از مناسب بودن است. در



تعریفی دیگر «اتحادیه بین المللی تأمین اجتماعی»، رفاه اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: « نظامی که به منظور خدمت و کمک به افراد به وجود می‌آید تا سلامت و زندگی بهتر و نیز موجبات روابط مناسب‌تری را برای پیشرفت استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان فراهم سازد» (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۸). با این حال فهم و غایت مشترکی از مسئله رفاه را و در شاخص‌ها و مدل‌های مفهومی آن می‌توان یافت.

لذا اشاره به برخی از مهم‌ترین شاخص‌ها و مدل‌های مفهومی که در مقالات و گزارش‌های مراکز معتبر علمی، سازمان‌های ملی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته و به تکرار در متون اصلی و معتبر رفاه اجتماعی ارائه شده است، تصویری دقیق‌تر و تفصیلی از مفهوم رفاه ارائه می‌دهد. فیتز پتریک (۱۳۸۵) در کتاب خود با نام نظریه‌های رفاه جدید، شش شاخص ترکیبی را برای تعریف رفاه مورد تحلیل قرار می‌دهد که عبارت‌اند از:

- خوشبختی و شادکامی: به معنی رضایت و خرسندی از زندگی؛
- تأمین: به این معنی که فرد در زندگی از امنیت، درآمد، اشتغال و مسکن برخوردار باشد و نسبت به اینکه در آینده دچار نابسامانی نخواهد شد آگاهی داشته باشد؛
- ترجیحات یا اولویت‌ها: به معنی محقق شدن آرزوها و ترجیحات فرد در زندگی
- نیازها: نیازها به دو مقوله نیازهای اساسی و غیر اساسی تقسیم می‌شوند و برآورده شدن نیازهای اساسی به مقوله رفاه مربوط می‌شود؛
- استحقاق: این مفهوم بر نقطه‌ای متعادل بین مشارکت و پاداش دلالت دارد؛ به این معنی که فردی که کمتر از استحقاق خود دریافت کرده است، نسبت به فردی که متناسب عملکرد خود دریافت کرده، رفاه کمتری داشته است.
- مقایسه‌های نسبی: در واقع، سطح رفاه هر فرد کاملاً به سطح رفاه همگنان خود، یعنی کسانی که خود را با آنها مقایسه می‌کند، وابسته است.

از میان سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه رفاه اجتماعی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (D.C.E.O)^۱ که اکثر اعضای آن را کشورهای صنعتی اروپای غربی تشکیل می‌دهند معروفیت و پذیرش بیشتری دارد. این سازمان در گزارشی که سازمان برنامه و بودجه نیز آن را منتشر کرده است، شاخص‌های اندازه‌گیری را در نه زمینه بهداشت، آموزش و یادگیری، اشتغال، اوقات فراغت، محیط فیزیکی زیست، محیط و روابط اجتماعی، امنیت، مشارکت و فرصت‌های اجتماعی خلاصه کرده است (گزارش سازمان برنامه، ۱۳۵۷). همچنین گزارش‌هایی که از سوی این سازمان با نام «جامعه در یک نگاه: شاخص‌های اجتماعی O.E.C.D.» به صورت سالانه منتشر می‌شوند. به بررسی شاخص‌های درآمد خانوار، باروری، مهاجرت، خانواده و میزان



مراقبت از سالمندان به عنوان مهم ترین شاخص های اجتماعی در کشورهای مختلف می پردازند (جامعه در یک نگاه: شاخص های اجتماعی O.E.C.D، 2014).

زاهدی اصل (۱۳۸۱) در کتاب مبانی رفاه اجتماعی نیز شاخص هایی را که توسط مرکز آمار ایران به کار گرفته می شود، را معرفی کرده که در دو گروه شاخص های اصلی هشتگانه از قبیل: آموزش و پرورش، بهداشت، تغذیه، مسکن، اشتغال، جمعیت و نیروی انسانی، درآمد، وجود تأمین اجتماعی و خدمات درمانی، شاخص هایی شامل: گذران اوقات فراغت و دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست، امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جانی مورد بحث قرار گرفته است. از سوی دیگر، موسوی و محمدی (۱۳۸۸) در کتاب نظریه ها و مفاهیم رفاه اجتماعی به طور کلی، شاخص هایی که برای ارزیابی رفاه به کار گرفته می شود، در یکی از چهار دسته زیر جای می گیرد:

- سطح فیزیکی (وابستگی به بدن): مثل موقعیت تغذیه، بهداشت، امید به زندگی و تناسب اندام؛

- سطح آموزشی (سطح توسعه ذهنی): سواد، دستاوردهای آموزشی و تناسب تعلیم و تربیت با نیازهای بازار کار و اشتغال؛

- سطح اقتصادی (مالی): میزان درآمد، دارایی و وضعیت طبقاتی؛

- سطح اجتماعی (میزان همبستگی اجتماعی): همبستگی ملی، گروه های اجتماعی و خانواده و مشارکت (ملی، گروه های اجتماعی و خانواده).

اما از جمله مدل های مفهومی که در سال های اخیر بیشتر مورد توجه اندیشمندان رفاهی قرار گرفته و از جامعیت نسبی خوبی نیز برخوردار است، می توان به شاخص ترکیبی «لگاتوم»^۱ اشاره کرد. مؤسسه لگاتوم از سال ۲۰۰۷ میلادی تاکنون، برای ارزیابی و مقایسه میزان رفاه کشورها، با تنظیم شاخص ترکیبی رفاه که براساس فاکتورهای گوناگون نظیر: ثروت، رشد اقتصادی و کیفیت زندگی تنظیم می شود، سالانه در سطحی جهانی به رتبه بندی ۱۴۲ کشور (دربگیرنده ۹۶ درصد از جمعیت کره زمین) می پردازد. این شاخص با دیدی جامع و مقایسه ای که نسبت به وضعیت رفاه هر کشور ارائه می دهد، می تواند مورد تحلیل و مقایسه قرار گیرد و در کنار سایر شاخص های سنجش رفاه، مانند: شاخص توسعه انسانی، وضعیت رفاه کشورها را با در نظر گرفتن تعداد بیشتری از متغیرها توضیح دهد و تبیین کند. شاخص ترکیبی لگاتوم، اندازه گیری رفاه را براساس ترکیبی از وضعیت کشورها در هشت حوزه مختلف تعریف کرده است (گزارش شاخص رفاه لگاتوم، ۲۰۱۴) که در مجموع، ۸۹ متغیر را دربرمی گیرد (سجادی، ۱۳۹۴: ۴۱) و در نمودار شماره یک نشان داده شده است.



شاخص رفاه لگاتوم	
شاخص‌های اصلی	زیر شاخص‌ها
اقتصاد	میانگین پنج ساله میزان رشد، اعتماد به نهادهای مالی، وضعیت اشتغال، چشم انداز اقتصادی، میزان پس انداز ناخالص ملی، دسترسی به مشاغل، سرپناه و غذای کافی، میزان تورم، رضایت از کیفیت زندگی، اندازه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وام های معوقه، نرخ بیکاری، صادرات فناوری پیشرفته، اندازه بازار و میانگین سرانه سرمایه فیزیکی کارگران
کارآفرینی و فرصت	هزینه شروع کسب و کار، سرورهای اینترنتی ایمن. هزینه های تحقیق و توسعه. پهنای باند اینترنت. توسعه نامتوازن اقتصادی. تلفن همراه به ازای هر خانوار. صادرات فناوری. اطلاعات و ارتباطات. هزینه‌های حق امتیاز و صدور مجوز، وضعیت کارآفرینی و تلفن‌های همراه در هر ۱۰۰ نفر
حکمرانی	ثبات حکومت، کارآمدی دولت، حاکمیت قانون. تفکیک قوا، کارایی قوانین و مقررات، حقوق سیاسی، محدودیت های سیاسی، نوع دولت (دموکراتیک یا استبدادی)، اقدامات در راستای فقر زدایی، اعتماد و صحت انتخابات، اعتمادبه ارتش، اعتماد به سیستم قضایی و دادخواهی، حفاظت از محیط زیست، اعتماد به حکومت ملی، فساد دولت و بنگاه‌ها و بیان نظرات به مقامات رسمی
آموزش	میزان کل ثبت نام در دوره متوسطه، نسبت دانش آموزان به معلمان، میزان خالص ثبت نام دوره ابتدایی، نسبت ثبت نام دختران به پسران، میزان کل ثبت نام دانشگاهی، رضایت از سیستم آموزشی، میانگین تحصیلات متوسطه در نیروی کار، میانگین تحصیلات دانشگاهی در نیروی کار و فرصت تحصیل و آموزش برای کودکان
بهداشت و سلامت	میزان مرگ و میر نوزادان، طول عمر، میزان مصونیت در برابر بیماری‌های واگیردار، شیوع وبا، سوء تغذیه، میزان سرانه هزینه‌های بهداشت، رضایت از وضعیت بهداشت و سلامت. سطح استرس، رضایت از شرایط فیزیکی و زیبایی زیست محیطی، تعداد تخت‌های بیمارستان، کیفیت آب. وضعیت بهداشت و سلامت، میزان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های تنفسی، مشکلات سلامتی و بهداشتی و میزان مصونیت در برابر سرخک و طول عمر (با احتساب سلامت)
امنیت	جنگ‌های داخلی، حمله و تجاوز، بی ثباتی جمعیتی، بیان نظرات سیاسی بدون ترس، ظلم و بی عدالتی‌های جمعی، پناهندگان و آوارگان، مهاجرت نخبگان و مخالفان سیاسی، خشونت سیاسی از سوی دولت، دزدی و پیاده‌روی امن در شب
آزادی	رواداری نسبت به گروه‌های اقلیتی، آزادی‌های مدنی، رواداری نسبت به مهاجران و آزادی انتخاب
سرمایه اجتماعی	میزان اعتمادکردن به دیگران، قابلیت اعتماد به دیگران، وضعیت تأهل، اهدا و بخشش، کمک به غریبه‌ها، حضور در مراسم مذهبی و فعالیت‌های داوطلبانه



بدین ترتیب، فهرستی از عرصه‌ها و مؤلفه‌های مورد نظر برنامه‌ریزان رفاه اجتماعی را در این تعاریف و شاخص‌ها می‌توان دید. حال باید دید آیا این مؤلفه‌ها از سوی متخصصان تاب‌آوری اقتصاد نیز مطمع نظر بوده‌اند؟ آیا پیگیری سیاست تاب‌آوری اقتصادی سطوحی از اهداف برنامه‌ریزان رفاه اجتماعی را برآورده می‌کند؟ برای یافتن پاسخ این سؤالات باید نگاهی به ادبیات تاب‌آوری اقتصادی انداخت.

۲. مفهوم تاب‌آوری اقتصادی

در جهانی زندگی می‌کنیم که با مخاطرات و تنش‌های بسیاری مواجه هستیم و هر روز بر شدت این تنش‌ها افزوده می‌شود. باید این حقیقت را بپذیریم که جهان ما نظامی در حال تغییر است که این تغییرات در مسیری پیچیده رو به حرکت هستند. این مسئله زمانی مهم می‌شود که نمی‌توانیم به سادگی نسبت به وقوع تغییرات، واکنش نشان دهیم (پلات، ۲۰۱۳). در سال‌های اخیر، به خصوص بعد از ایجاد بحران مالی ۲۰۰۸، بحران‌های اقتصادی- مالی نسبت به بحران‌ها در حوزه‌های دیگر، از اهمیت ویژه‌تری برخوردار شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این اهمیت، اثرگذاری این بحران‌ها در سایر حوزه‌ها، مثل: حوزه سیاسی، زیست‌محیطی و حوزه اجتماعی بوده است. فقط یکی از آثار بحران اقتصادی حاضر، از بین رفتن اشتغال جمع کثیری از مردم دنیاست که به وفور، آمار افزایش بزهکاری و پرخاشگری ناشی از بیکاری را به وجود آورده است زیرا که بحران‌های اقتصادی به سرعت به بحران‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند. وقتی بر اثر بحران‌های اقتصادی کارگران شغل و درآمدهای خود را از دست می‌دهند و در نتیجه، خود و خانواده‌شان در معرض فقر قرار می‌گیرند، بحران‌های اجتماعی آغاز می‌شود (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۰: ۳).

بر همین مبنا، در سال‌های اخیر مباحث مربوط به مقاوم‌سازی و تاب‌آوری، به‌ویژه در حوزه اقتصادی بین نظریه‌ها و ادبیات متداول اقتصاد دنیا جای خود را باز کرده و در بین محققان دانشگاهی و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی از جایگاه مهمی برخوردار شده است. در واقع، اساس بحث مقاوم‌سازی اقتصاد، مقابله و کاهش اثرگذاری



معضلات و مشکلات بحران‌های اقتصادی حاضر بوده؛ به طوری که فرصت‌سازی از این بحران‌ها و تغییرات را مدنظر قرار داده است (پیغامی، ۱۳۹۴: ۳۰۶).

واژه تاب‌آوری ابتدا در علوم فیزیکی، به منظور توضیح رفتار یک فنر استفاده شد. پس از آن، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، واژه تاب‌آوری توسط گروه‌های زیست‌بوم‌شناسی و روان‌شناسی برای توصیف پدیده‌هایی به نسبت متفاوت به کار برده شد. در سال ۱۹۸۰، «تاب‌آوری»، برای اولین بار، برحسب شوک‌ها - به طور مشخص توسط جامعه مهندسی (به خصوص با ارجاع به زیرساخت‌های فنی) - به کار برده شد و با مفهوم توانایی فراگیری و ترمیم رخداد‌های خطرناک مرتبط گشت. از آن زمان به بعد، تعاریفی ترکیبی به وجود آمده‌اند که تعاریف مهندسی را با زیست‌بوم‌شناسی یا تعاریف زیست‌بوم‌شناسی را با تعاریف رفتاری ترکیب میکنند و در واقع مفهوم تاب‌آوری به سایر حوزه‌ها چون حوزه اجتماعی و اقتصادی نیز ورود پیدا می‌کند (گزارش تاب‌آوری منطقه‌ای و اجتماعی، 2013، (CARRI).

در حوزه اقتصادی نیز همچون سایر حوزه‌ها، تعریف مشخص و واحدی از تاب‌آوری اقتصادی وجود ندارد و در متون و مقالات مختلف نگاشته‌شده در این زمینه، تعاریف متعددی ارائه شده که در هر تعریف یک بعد از تاب‌آوری اقتصادی مدنظر نگارنده قرار گرفته است. برای نمونه، بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله «آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی: مفاهیم و اندازه‌گیری» تاب‌آوری اقتصادی را این‌گونه تعریف می‌کنند که تاب‌آوری اقتصادی تا حدی به میزان استقامت اقتصاد در برابر آثار منفی شوک‌های خارجی اشاره دارد. بدین‌سان این تعریف می‌تواند به عنوان تعریف مقابل آسیب‌پذیری اقتصادی در نظر گرفته شود. این کلمه از ریشه لاتین خود Resilire به معنای توانایی برخاستن مجدد اخذ شده است. بریگوگلیو بین تاب‌آوری اقتصادی - که نتیجه سیاست پیش‌بینی شده است - و آسیب‌پذیری اقتصادی - که از ویژگی‌های ذاتی اقتصاد است - تمایز قائل شده است. وی استدلال می‌کند که اصطلاح تاب‌آوری اقتصادی می‌تواند در دو معنی مورد استفاده قرار گیرد: یکی، توانایی اقتصاد برای جذب اثر شوک‌های اقتصادی خارجی و دوم، بی‌اثر کردن اثرات زیان‌بار چنین شوک‌هایی. توانایی یک اقتصاد برای جذب شوک‌های خارجی که همراه با انعطاف‌پذیری اقتصاد است، این اقتصاد را قادر به بهبود پس از آثار مخالف شوک‌ها می‌کند. توانایی اقتصاد برای بی‌اثر کردن شوک‌ها زمانی تقویت می‌شود که اقتصاد دارای فضای کافی برای مانور باشد. برای مثال، در موقعیت مالی قوی، سیاست‌گذاران می‌توانند با استفاده از هزینه‌های احتیاطی یا کاهش مالیات، اثر شوک‌های منفی را خنثی کنند.

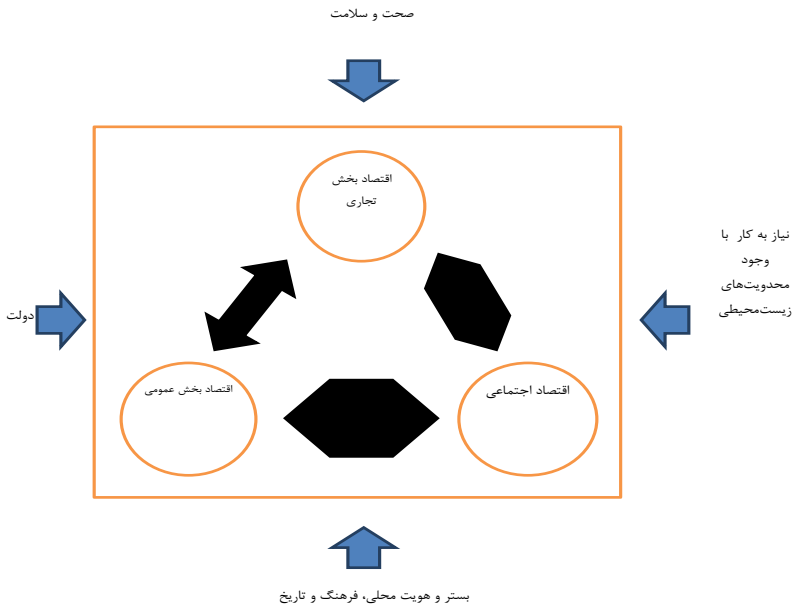
در تعریف دیگری، رُز (۲۰۰۷) در مقاله «تعریف و اندازه‌گیری اقتصاد تاب‌آور



در مواجهه با بحران‌ها» مفهوم تاب‌آوری را به چند دسته مجزا تقسیم کرده است: تاب‌آوری (پویا): سرعتی که یک موجود و یا سیستم پس از شوک‌های شدید به منظور دستیابی به وضعیتی مطلوب، بازیابی و بهبود می‌یابد؛ تاب‌آوری ایستای اقتصادی: توانایی یک موجود و یا سیستم برای حفظ کارکرد (مثلاً ادامه دادن تولید) در هنگام وقوع شوک؛ تاب‌آوری ذاتی: توانایی تعامل با بحران؛ و تاب‌آوری انطباقی (دارای قدرت سازگاری): توانایی (یک موجود و یا سیستم) در مواقع بحرانی برای حفظ کارکرد خود بر مبنای نبوغ و یا تلاش بیشتر.

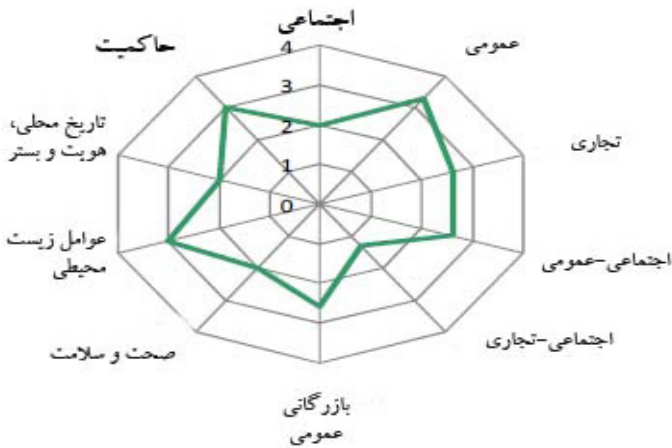
به طور مسلم، بعد از ارائه تعریف از یک مفهوم، بحث چگونگی عملیاتی شدن و اندازه‌گیری آن و مطرح می‌شود. تاکنون برای فهم، برنامه‌ریزی و اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی مدل‌های مختلفی ارائه شده است. این مدل‌ها در پی ارائه تعاریف مفهومی و ارزیابی وضع موجود تاب‌آوری کشور و یا یک بنگاه اقتصادی، و یافتن شکاف بین آنچه هست و آنچه باید باشد، هستند. علاوه بر این، مقایسه بین دو سیستم اقتصادی، رصد تغییرات رو به بهبود یا ضعف یک سیستم طی زمان و مکان، ارزیابی تبعات و نتایج اعمال سیاست‌های تاب‌آورانه و یا پویایی یک سیستم در برابر شوک‌ها نیز توسط این مدل‌ها قابل اندازه‌گیری است. بنابراین، با توجه به کاربرد هر یک از مدل‌های ارائه‌شده، در هر مدل مفاهیم و شاخص‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی معرفی و بررسی می‌شود که در ادامه، به چند مدل مفهومی و مؤلفه‌های مندرج در آن اشاره می‌شود تا علاوه بر اینکه به درک بهتری از مفهوم تاب‌آوری اقتصادی برسیم، بتوانیم در بخش بعدی با دستیابی به اشتراکات مفهومی دو عرصه، چارچوب مفهومی مشترک برای نیل به تاب‌آوری اقتصادی همراه با رفاه اجتماع، و برنامه‌ریزی رفاهی همراه با تاب‌آوری اقتصادی را استخراج کرد.

از جمله مدل‌ها و شاخص‌های معروف، مدل تاب‌آوری اقتصادی بریگوگلیو است. بریگوگلیو (۲۰۱۴) در جایگاه یکی از اندیشمندان برجسته مباحث تاب‌آوری اقتصادی، در مقاله «چارچوب آسیب‌پذیری و تاب‌آوری برای کشورهای کوچک» مدلی را برای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی ارائه می‌کند. در این مدل مؤلفه‌های اصلی اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی عبارت‌اند از: ثبات اقتصاد کلان، تنظیم بازار، حکمرانی سیاسی خوب، توسعه اجتماعی و مدیریت زیست‌محیطی. وی با این مؤلفه‌ها در یک شاخص ترکیبی وی تاب‌آوری اقتصاد ملی کشورهای مختلف دنیا را رتبه‌بندی کرده است. مدل دیگری که برای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی معرفی شده است مدل CLES است. اجزای این مدل در شکل زیر قابل مشاهده است (مارتین، ۲۰۱۱).



نمودار ۲- ابعاد مدل مفهومی CLES (مارتین، ۲۰۱۱)

طبق این مدل، تاب‌آوری به سه عنصر کانونی، سه رابطه تعاملی بین اینها و چهار مؤلفه بیرونی تقسیم می‌شود که در مجموع ده محور برای اندازه‌گیری مطرح می‌شود و نهایتاً در تصویری مشابه ذیل، اندازه‌گیری به عمل آمده، نمایانده می‌شود:



نمودار ۳ - محورهای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی در مدل CLES (مارتین، ۲۰۱۱)

در شاخصی دیگر با نام شاخص اسکاتلندی تاب‌آوری اقتصادی^۱ که مشتمل بر ۵ حیطه کلیدی و ۱۷ مؤلفه در عرصه محیط کسب و کار و اشتغال است، به بررسی تاب‌آوری اقتصادی عمدتاً در سطح بخشی پرداخته می‌شود.^۲

ترکیب متنوع اشتغال، اشتغال در بخش دانش بر، اشتغال در بخش‌های سنتی و ثابت اقتصاد منطقه‌ای	ترکیب بخش‌ها
کیفیت سرمایه انسانی، تأثیر مهاجرت بر تقاضای کار، کارکرد مؤثر و کارایی بازار کار در سطح منطقه‌ای	نیروی کار
گستره بیکاری‌های بالا، افراد کم مهارت و وابستگی به تأمین اجتماعی	بازار کار
پویایی محیط کسب و کار	کسب و کار
ترکیب آثار جمعیتی، درآمدی و رشد اشتغال در سطح منطقه‌ای	پویایی اقتصادی

جدول ۱- شاخص‌ها و گستره آنها در مدل اسکاتلندی

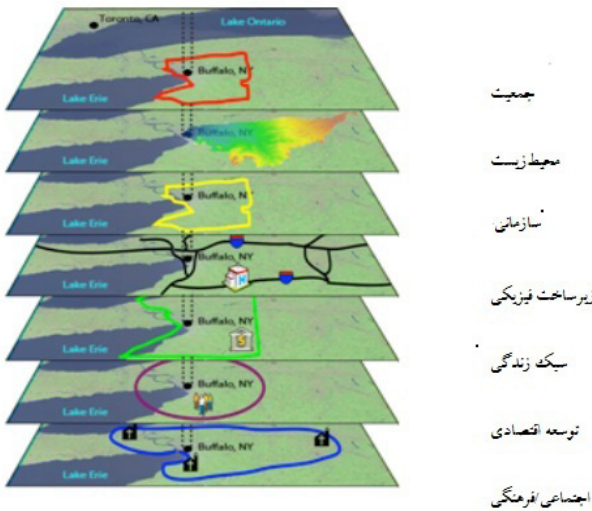
در سطوح مختلف ملی و منطقه‌ای و با رویکردی چند لایه نیز، پایاداراکایس و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله «چارچوب تاب‌آوری P.E.O.P.L.E.S: رویکردی مفهومی برای تعیین کمیت تاب‌آوری جامعه» مدل دیگری را برای اندازه‌گیری تاب‌آوری معرفی می‌کنند. این مدل که به مدل PEOPLES معروف است، تاب‌آوری را در لایه‌های مختلف اجتماعی- اقتصادی بررسی و اندازه‌گیری می‌کند. این مدل یک مدل جامع است؛ به نحوی که چارچوب تاب‌آوری PEOPLES این شالوده و بنیان را فراهم خواهد آورد تا بتوان هر نوع مدل کمی یا کیفی‌ای را که به اندازه‌گیری تاب‌آوری سیستم‌ها در مقابل حوادث شدید (یا فجایی مربوط به آن موضوع) می‌پردازد، در یکی یا تمام ابعاد مطروحه در این مدل، ترکیب و تلفیق کرد. به علاوه، طبق تحلیل‌های شکاف کوتاه‌مدت، این چارچوب به جوامع این توانایی را می‌دهد که در بلندمدت ابزارهای مکانی و زمانی برای تصمیمات حمایتی و پشتیبان را اضافه کنند و از آن بهره ببرند. این امر در واقع، به جوامع کمک خواهد کرد که در تلاش‌های خویش در بحث برنامه‌ریزی بتوانند تاب‌آوری خویش را ارزیابی کنند و ارتقا بخشند.

در این مدل، هر کدام از حروف نشانگر یک شاخص و سرنام است. این ابعاد نه به لحاظ آماری از هم مستقل هستند و نه مترادف هم می‌باشند، در حالی که هر کدام از این ابعاد به طور جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرند. اما طبق ماهیت تاب‌آوری جامعه، ضروری است و انتظار می‌رود که بین این ابعاد وابستگی متقابل وجود داشته باشد. نکته مهم اینجاست

1. Scottish Index of Economic Resilience

2. <http://edas.org.uk/resources/ekosgenscottishresilience.pdf>.

که شاخص‌هایی که تعیین و مشخص شده‌اند، ممکن است برای توضیح یک جامعه و تاب‌آوری آن در هر زمانی، و نه صرفاً پس از وقوع حادثه شدید، مورد استفاده قرار گیرند و اینکه هر یک از این لایه‌ها خود معرف و تعیین‌کننده زیر شاخص‌های دیگر خواهد بود. مدل مفهومی PEOPLES مبتنی بر مدل‌ها و پژوهش‌های قبلی در حوزه تاب‌آوری صورت پذیرفته و در پی گسترش آنهاست؛ به طوری که چارچوب تاب‌آوری PEOPLES پایه‌ای را برای توسعه و گسترش مدل‌های کمی و کیفی موجود ارائه می‌دهد، حتی این مدل برای مدل‌های کمی و کیفی‌ای که به طور پیوسته به منظور مقابله با حوادث شدید یا فجایع طراحی شده‌اند، در هر یک از ابعاد خویش یا تمام ابعاد، جای گسترش دارد. این مدل، به دنبال ارتباط بخشی بین ابعاد مختلف تاب‌آوری، از جمله: فنی، سازمانی، اجتماعی و اقتصادی است. در این مدل، محورهای جمعیت و ساختار جمعیتی^۳، ابعاد زیست‌محیطی - اکوسیستمی^۴، خدمات دولتی سازمان یافته^۵، زیرساخت‌های فیزیکی^۶، سبک زندگی و شایستگی جامعه،^۷ توسعه اقتصادی^۸ و سرمایه فرهنگی و اجتماعی^۹ ابعاد هفتگانه شاخص را تشکیل می‌دهند.



نمودار ۴- لایه‌های مدل برای چارچوب تاب‌آوری PEOPLES (رنسچلر و همکاران، ۲۰۱۰، به نقل از پیغامی، ۱۳۹۴: ۵۲)

- 3 . Population
4. Enviromental
- 5 . Organization
- 6 . Physical
- 7 . Lifestyle
- 8 . Economic
- 9 . Social/ Cultural



نگاهی به ابعاد هفتگانه و مؤلفه‌های تفصیلی ذیل هر یک که بالغ بر پنجاه مؤلفه است، نشان می‌دهد شاخص PEOPLES از جامعیت بالایی در معرفی مفاهیم تأمین‌کننده تاب‌آوری و نمایندگی از گستره مفهومی آن برخوردار است. هر یک از این سرنام‌ها و ابعاد بر پایه اندازه‌گیری تاب‌آوری و مقیاس‌های جغرافیایی و زمانی، خود به زیربخش‌های دیگری تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

محورها و مؤلفه‌های ارزیابی تاب‌آوری در مدل مفهومی PEOPLES		
مؤلفه‌ها		محورهای اصلی
شهری، حومه شهر، روستایی و دشت و صحرا	توزیع/ تراکم	جمعیت و ساختار
سن، جنسیت، وضعیت مهاجرت و نژاد/ قومیت	ترکیب	
پیشرفت تحصیلی، درآمد، فقر، مالکیت منزل، مسکن خالی و اشتغال	اوضاع اجتماعی و اقتصادی	جمعیتی
کیفیت و کمیت آب، کیفیت هوا، کیفیت خاک، تنوع زیستی، زیست توده (پوشش گیاهی) و سایر منابع طبیعی		زیست محیطی / اکوسیستم
پاسخ‌های اورژانسی و امدادی، بهداشت و سلامت	مدیریتی	خدمات دولتی سازمان‌یافته
	قضایی	
	امنیتی / قانونی	
واحد‌های مسکونی و پناهگاه‌ها	مسکونی	امکانات
توزیع امکانات، هتل‌ها، مکان‌های استراحتی، امکانات ساخت و ساز و ساختمان‌های اداری	تجاری	
سالن‌های سرگرمی، موزه‌ها، نهادهای مذهبی، مدارس، مجتمع‌ها و سالن‌های ورزشی	فرهنگی	
اینترنت، تلفن، تلویزیون، رادیو و پست	ارتباطات	خطوط زندگی
مراقبت‌های حاد و بحرانی، مراقبت‌های حاد و بحرانی در بلندمدت، مراقبت‌های اولیه، روان‌پزشکی و داروهای ویژه یا اختصاصی	مراقبت‌های سلامتی	
	عرضه غذا	
الکترونیکی، سوخت/گاز/انرژی، زیاله‌ها و آب	ابزارها	
هوایی، اتصالات و پل‌ها، بزرگراه‌ها، گذرگاه‌های عبور و مرور، ماشین‌ها و آبراه‌ها	نقل و انتقال	

حکومت‌داری و خودتنظیمی	اقدامات و تصمیم‌گیری‌های جمعی	سبک زندگی و شایستگی جامعه
	اثربخشی جمعی و توانمندسازی	
	کیفیت زندگی‌ها	
نهادهای مالی دارایی‌بنیان، بررسی مانده حساب‌ها (شخصی و تجاری)، شاخص قیمت مصرف‌کننده، بیمه، تعداد و میانگین وام‌های بانکی، تعداد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، مانده حساب‌های پس‌انداز (شخصی و تجاری) و بازار سهام	خدمات مالی	
کشاورزی، ساخت و ساز، خدمات آموزش و سلامت، تأمین مالی، بیمه و املاک، لیست ۱۰۰۰ کارخانه بزرگ کشور به ترتیب، لیست ۵۰۰ شرکت بزرگ بخش عمومی و دولتی، اطلاعات، مشاغل حرفه‌ای، اوقات فراغت و هتلداری، کارخانه داری، تعداد دفاتر شرکت‌ها و سایر خدمات کاری	صنعت - اشتغال - خدمات	توسعه اقتصادی
خدمات شغلی	خدمات حرفه ای کسب و کار	
حمل و نقل و تجهیزات		
عمده و خرده فروشی		
عرضه غذا، ساخت و ساز	صنعت تولید	
	خدمات کودکان و کهنسالان، مراکز تجاری، مشارکت جامعه، خدمات فرهنگی و میراثی، خدمات آموزشی، سازمان‌های غیرانتفاعی و دلبستگی مکانی	سرمایه اجتماعی/ فرهنگی

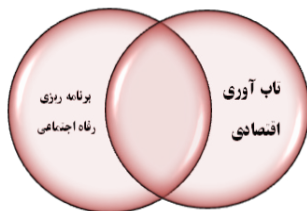
جدول ۳- معرفی شاخص / مدل PEOPLES (پاپا دراکیسو و همکاران، ۲۰۱۱)

تلاقی دو ادبیات رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی

در سطور گذشته سعی شد مروری اجمالی بر شاخص‌های معرفی‌شده از دو حوزه رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی ارائه شود. به همین منظور، مهم‌ترین و پرکاربردترین مدل‌های مفهومی که برای سیاست‌گذاری یا ارزیابی رفاه و تاب‌آوری اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد، معرفی شد. با این مرور، اولین نتیجه قابل مشاهده این است که بین دو ادبیات تاب‌آوری و رفاه اجتماعی مؤلفه‌های مشترک زیادی وجود دارد؛ به



طوری که به راحتی می توان ادعای تلاقی و اشتراک دو حوزه مذکور را کرد.



به منظور بیان تفصیلی نقاط تلاقی دو ادبیات رفاه و تاب آوری اقتصادی و استخراج مؤلفه های مشترک میان دو حوزه مذکور، طبقه بندی های اشاره شده در شاخص های اندازه گیری رفاه اجتماعی با شاخص های ارائه شده در مدل های مفهومی تاب آوری اقتصادی تطبیق داده شده و شاخص های مشترک بین آنها در قالب جدول زیر نام برده شده است. تلاش شده است شاخص های مشترک براساس موضوع مورد بررسی، دسته بندی و با عنوان شاخص های اصلی و زیرشاخص ها مطرح شود.

جدول ۴- شاخص های مشترک برنامه ریزی رفاه و تاب آوری اقتصادی (یافته پژوهش)

مرجع شاخص در تاب آوری اقتصادی				مرجع شاخص در برنامه ریزی رفاه				شاخص های مشترک	
مدل اسکاتلندی	مدل CLES	مدل بریگولکیو	مدل PEOPLES	لگاتوم	مرکز آمار ایران	گزارش O.E.C.D	پتربک	موسوی ومحمدی	شاخص اصلی زیرشاخص ها
		✓	✓	✓					توسعه اقتصادی
✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓		اشتغال
			✓		✓		✓		مسکن
✓			✓		✓		✓	✓	درآمد
	✓		✓	✓					تجارت (واردات و صادرات)
✓		✓		✓					بازار
		✓		✓					تولید ناخالص داخلی
			✓	✓					میزان سرمایه گذاری
	✓	✓		✓		✓		✓	توسعه اجتماعی
			✓	✓	✓	✓		✓	آموزش
		✓	✓	✓		✓		✓	همبستگی اجتماعی
			✓		✓	✓		✓	مشارکت اجتماعی
			✓		✓	✓			اوقات فراغت
✓					✓				تأمین اجتماعی
			✓	✓			✓	✓	رضایت از کیفیت زندگی



✓			✓	✓					مهاجرت
	✓		✓	✓	✓	✓		✓	سلامت
			✓	✓	✓			✓	تغذیه
			✓	✓					طول عمر
			✓	✓					امکانات بهداشتی
			✓			✓			مراقبت از سالمندان
			✓	✓		✓			سلامت اجتماعی
✓			✓		✓				جمعیت
			✓	✓	✓	✓	✓		امنیت
			✓	✓					میزان اعتماد متقابل
			✓	✓					آزادی انتخاب
			✓	✓	✓				امنیت در برابر جنگ ها
			✓	✓					مبارزه با بی عدالتی
	✓	✓	✓	✓	✓	✓			محیط زیست
	✓	✓	✓	✓	✓				کیفیت آب، هوا و خاک
			✓	✓		✓			تنوع زیستی
	✓	✓		✓					حکمرانی
		✓	✓	✓					قوانین و مقررات
			✓	✓					سیستم قضایی
			✓	✓		✓		✓	مشارکت عمومی

جدول ۴- شاخص‌های مشترک برنامه‌ریزی رفاه و تاب‌آوری اقتصادی (یافته پژوهش)

با نگاهی اجمالی می‌توان دریافت که نقاط اشتراک بین شاخص‌های رفاه و تاب‌آوری تعداد قابل توجهی از مؤلفه‌ها را دربرمی‌گیرد. البته همان‌طور که در جدول به وضوح دیده می‌شود جامعیت دو شاخص لگاتوم و PEOPLES نسبت به حوزه‌های خود، و جامعیت آنها در معرفی اشتراکات بسیار بالاست. توضیح تفصیلی با تأکید بر مؤلفه‌ها به شرح زیر است:

الف) شاخص‌های اشتغال، مسکن، درآمد، میزان تولید ناخالص ملی، میزان سرمایه گذاری و سنجش میزان تجارت از مؤلفه‌های مهم اقتصادی هستند که تاکنون در اندازه‌گیری شاخص رفاه جوامع مختلف نیز از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردار بوده‌اند. مصداق این مدعا آنکه این شاخص‌های اقتصادی یا به عنوان شاخص‌های منفرد اندازه‌گیری رفاه کاربرد داشته‌اند- همچون شاخص درآمد که در سال‌های



گذشته یکی از معیارها و شاخص‌های اصلی سنجش رفاه اجتماعی بوده است - و یا این قبیل شاخص‌های اقتصادی، جزء اصلی شاخص‌های ترکیبی اندازه‌گیری رفاه اجتماعی بوده‌اند. در شاخص‌های رفاهی که در مقاله حاضر نیز مرور و اشاره شد حضور و نقش شاخص‌های اقتصادی در اندازه‌گیری میزان رفاه مشخص و کاربرد آن معین شده است. (ب) آموزش، مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مباحث مربوط به اوقات فراغت و تأمین اجتماعی از مباحث مهم و اثرگذار رفاه اجتماعی محسوب می‌شوند، به طوری که با مرور شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه مشخص می‌شود که در گذشته کمتر بوده، ولی در مقالات و کتب جدیدی که از شاخص‌های اندازه‌گیری و سنجش رفاه اجتماعی در جوامع مختلف سخن می‌گویند، اندازه‌گیری این شاخص‌ها بسیار بیشتر و پررنگ‌تر شده است. از سوی دیگر، در برخی مدل‌های مفهومی که تاب‌آوری اقتصادی را معرفی می‌کنند این قبیل شاخص‌ها برای سنجش میزان تاب‌آوری اقتصادی نیز اندازه‌گیری می‌شوند. البته معرفی این شاخص‌ها بیشتر در مدل‌های مفهومی که تاب‌آوری اقتصادی را در زمینه اجتماعی بحث و بررسی می‌کنند، همچون مدل PEOPLES، بیشتر کاربرد دارد.

(ج) شاخص بهداشت و سلامت هم همواره یکی از اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه اجتماعی است. همان‌گونه که در معرفی شاخص‌ها قبلاً نیز مشاهده شد این شاخص با زیر شاخص‌های مختلف در اکثر شاخص‌ها و مدل‌های اندازه‌گیری رفاه اجتماعی آورده و اندازه‌گیری می‌شود. زیرا برقراری و برخورداری از سلامت و بهداشت به عنوان یک کالای عمومی که همه شهروندان جامعه باید از میزان مشخصی از آن برخوردار باشند، از مهم‌ترین هدف‌های برقراری و شکل‌گیری دولت‌ها و نظام‌های رفاهی بوده است. از آنجایی که سنجش و اندازه‌گیری این شاخص در مدل‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی نیز آورده شده است، به عنوان یک شاخص مشترک میان دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و رفاه اجتماعی آن را تعیین و زیرشاخص‌های مشترک آن را میان دو حوزه بررسی و تعیین کرده‌ایم.

(د) شاخص امنیت هم مانند شاخص سلامت یکی از کلیدی‌ترین شاخص‌های رفاهی محسوب می‌شود؛ زیرا برقراری امنیت برای شهروندان جامعه یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و البته هدف‌های شکل‌گیری دولت‌ها و نظام‌های رفاهی مختلف بوده است. به همین دلیل، با تورقی اجمالی بر متون رفاهی مشخص می‌شود تاکنون اندیشمندان و نظریه‌پردازان بسیاری در حوزه رفاه اجتماعی، نقطه کانونی مباحث خود را بر بحث



امنیت متمرکز ساخته و از زوایای مختلف راه‌های برقراری هرچه بهتر و بیشتر این شاخص مهم را تحقیق و بررسی کرده‌اند. در شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی، به خصوص مدل PEOPLES که در مقاله پیش رو بیشتر مورد بررسی قرار گرفته، است شاخص امنیت و زیرشاخص‌های آن به عنوان یکی از شاخص‌های مورد نیاز برای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی معرفی شده است. بر همین مبنا، در جدول شاخص‌های مشترک میان دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و رفاه اجتماعی، شاخص امنیت نیز معرفی و زیرشاخص‌های مشترک آن نام برده شده است.

ه) اهمیت و ضرورت بحث محیط‌زیست در رفاه اجتماعی را این‌گونه می‌توان توضیح داد که طبیعت علاوه بر اینکه بستر زندگی بشر است، امکانات اولیه برای رشد، پیشرفت و افزایش رفاه را نیز در اختیار وی قرار داده است. آنچه مهم است آنکه انسان باید به این فهم برسد که چه طور می‌تواند در حالی که از این مواهب به نحو احسن بهره می‌برد، به آن آسیبی وارد نسازد. در عصر حاضر، انسان با سرعتی بی‌مثال که در توسعه و پیشرفت در پیش گرفته، متأسفانه کمتر به محیط زیست توجه داشته، به طوری که طبیعت را برای رسیدن به پیشرفت بیشتر قربانی کرده است. در سایه همین بی‌توجهی است که در سال‌های اخیر، بحث‌های توسعه پایدار به منظور حفظ و حراست از طبیعت و استفاده بجا و مناسب از امکانات آن، ایجاد و گسترش یافته است. از همین رو، شاخص‌های کیفیت و کمیت آب، خاک، هوا و چگونگی بهره‌برداری و حفاظت از منابع طبیعی، تنوع زیستی و ... تحت شاخص محیط‌زیست در اندازه‌گیری میزان رفاه جوامع مورد توجه و سنجش قرار گرفته است. از آنجایی که در مدل‌های تاب‌آوری اقتصادی نیز این شاخص‌ها معرفی شده‌اند در جدول شاخص‌های مشترک، این شاخص نیز مطرح شده است.

و) ایجاد و مدیریت نهادهای حاکمیتی در زمینه‌های مختلف، اجرای قوانین و مقررات، اعتماد متقابل بین ملت و دولت، عملکرد سیستم قضایی و دادخواهی، میزان دستیابی به حقوق سیاسی و مشارکت‌های عمومی از جمله شاخص‌های سنجش حکمرانی هستند که در اندازه‌گیری رفاه جوامع مختلف شاخص‌هایی مهم و ضروری تلقی می‌شوند. برای نمونه، در شاخص ترکیبی لگاتوم این موارد در کنار سایر موارد زیرشاخص‌های شاخص اصلی حکمرانی معرفی و اندازه‌گیری می‌شوند. در مدل‌های اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی نیز اندازه‌گیری شاخص‌های مربوط به حکمرانی بسیار مهم و حائز جایگاهی ویژه است؛ زیرا مؤلفه‌ها و زیرشاخص‌های آن در بسیاری از



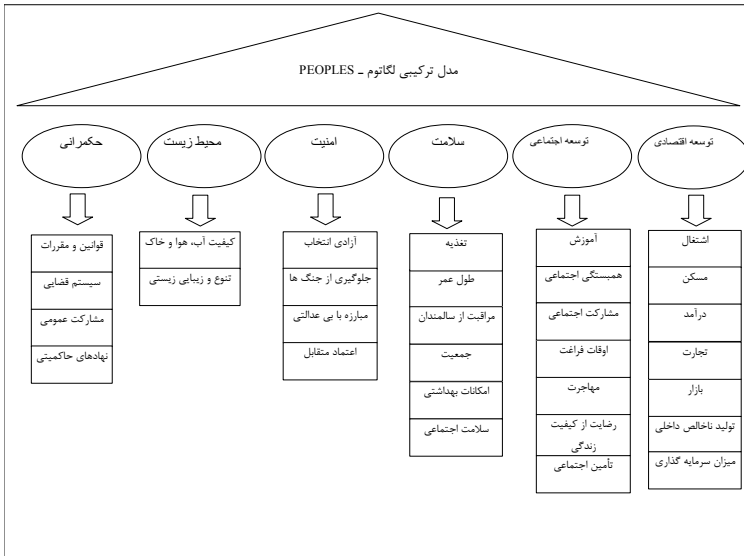
مدل‌های اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی مشاهده می‌شود. بر همین مبنا، آخرین شاخص که در جدول شاخص‌های مشترک میان دو حوزه تاب‌آوری اقتصادی و رفاه اجتماعی معرفی می‌شود شاخص حکمرانی است.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد مقدمات لازم را برای اشتراک مفهومی و ارائه یک مدل جامع فراهم کرده باشیم.

مدل ترکیبی پیشنهادی لگاتوم – PEOPLES

همان‌گونه که گفته شد، بسیاری از مؤلفه‌هایی که در برنامه‌ریزی رفاه مهم و قابل اندازه‌گیری هستند، در مدل‌های مفهومی تاب‌آوری اقتصادی نیز برای سنجش میزان تاب‌آوری مورد استفاده قرار می‌گیرند. بر همین مبنا، به منظور اینکه متخصصان و سیاست‌گذاران مقاوم سازی اقتصادی نسبت به حوزه برنامه‌ریزی رفاه غفلت نکنند و از سوی دیگر، متخصصان و کارشناسان برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی از جنبه‌های تاب‌آوری اقتصادی غافل نگردند، یک مدل ترکیبی جامع از شاخص‌های مشترک بین دو حوزه برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی پیشنهاد می‌شود. به طوری که این مدل ترکیبی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توأمان دو حوزه رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی و پاسخ به نیازمندی‌های این دو ادبیات کاربرد داشته باشد.

برای ارائه این مدل جامع به نظر می‌رسد مدل ترکیبی بین دو حوزه مذکور می‌بایست ترکیبی از مدل مفهومی PEOPLES و شاخص ترکیبی لگاتوم باشد؛ زیرا طبق جدول شماره ۵، این دو مدل بیشترین نقاط اشتراک و همپوشانی را دارند. پس سایر مؤلفه‌هایی که در مدل‌ها و شاخص‌های ترکیبی مختلف برای اندازه‌گیری رفاه به کار برده شده است را به شاخص ترکیبی لگاتوم اضافه کرده، از طرف دیگر، سایر مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی را که در مدل‌های مختلف برای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی نام برده شده است، به مدل PEOPLES اضافه می‌کنیم و در نهایت، شاخص ترکیبی لگاتوم – PEOPLES را به عنوان مدلی جدید و ابزاری برای اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی در برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی در قالب شکل زیر معرفی می‌کنیم.



نمودار ۵ - مدل مفهومی ترکیبی لگاتوم - PEOPLES (یافته پژوهش)

این مدل ترکیبی ضمن ارائه دلالت‌های مفهومی و سیاست‌گذارانه مختلف، به نوعی متضمن نوآوری در ادبیات تاب‌آوری است؛ زیرا برای اولین بار سعی شده است چارچوبی مفهومی برای مفاهیم دوسویه بین متخصصان تاب‌آوری اقتصادی و برنامه‌ریزان رفاهی ارائه شود و زمینه را برای شکل‌گیری مطالعات تلفیقی فراهم آورد. هر یک از اندیشمندان این دو عرصه را نسبت به دلالت‌هایی و لوازم دیگری مسئول کند. همچنین از آنجایی که دو مدل لگاتوم و PEOPLES هر یک در جایگاه خود به عنوان یک شاخص ترکیبی موفق برای اندازه‌گیری به کار گرفته شده‌اند، لذا می‌توان با وزن‌دهی کمی به مؤلفه‌ها و تعریف سنجه‌های مناسب برای هر یک، یافته این مقاله را به یک شاخص ترکیبی مفید در دنیا تبدیل و مدل ارتقاء یافته‌ای از هر یک از شاخص‌های لگاتوم یا PEOPLES را معرفی کرد.

در سطح کشور نیز این مقدمه تمهیدی، ضمن اینکه سیاست‌گذاری اقتصاد مقاومتی را نسبت به حوزه رفاه اجتماعی درگیر می‌کند و مقوم یکی از ارکان آن سیاست‌ها یعنی اقتصاد مردمی و مقوله عدالت اجتماعی می‌شود، و یا امکان ساختن سنجه‌ای ترکیبی برای اندازه‌گیری توأمان رفاه و تاب‌آوری را در فرایند اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی فراهم می‌کند، مسئولان و برنامه‌ریزان رفاه اجتماعی را وارد مشارکت مسئولانه در فرایند مقاوم‌سازی اقتصاد کرده و گستره تعامل و ترابط علمی آنها را نیز به تصویر می‌کشد.



نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه بحران‌های اقتصادی اثرگذاری مستقیمی بر رفاه اجتماعی دارد و از سوی دیگر، رفاه اجتماعی و ملاحظات ناظر بر رعایت کرامت انسانی و تأمین نیازهای اولیه آن را می‌باید عنصر مهمی در تاب‌آور کردن اقتصاد به حساب آورد، در مقاله پیش رو سعی شد بر مبنای همین ضرورت، به این پرسش پاسخ داده شود: که آیا بر اساس نظریه‌های علمی، میان دو ادبیات رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی اشتراک مفهومی که متضمن اشتراک در اهداف و سیاست‌های نیل به آن اهداف وجود دارد؟ آیا این نقاط تلاقی می‌تواند مدل مفهومی را جهت دستیابی به مؤلفه‌های مشترک در هر دو حوزه معرفی کند، به نحوی که نیازها و دلالت‌های سیاستی ناظر بر رفاه اجتماعی و تاب‌آوری اقتصادی را توأمان فراهم کند؟ این سؤالات وقتی از اهمیت مضاعف برخوردار می‌شود که در سؤال از نخبگان دانشگاهی و کارشناسان دستگاه‌های اجرایی متناظر بر رفاه و اقتصاد، هیچ تعامل و برنامه عمل مشترکی حاکی از ترابط مسئولانه هر یک به دیگری مشاهده نمی‌شود؛ به نحوی که با گذشت دو سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و به‌رغم قرابت نظری این سیاست‌ها با نظریه‌های تاب‌آوری، مشارکتی از سوی متخصصین برنامه‌ریزی رفاه دیده نمی‌شود. همچنین با وجود تأکیدات که در این مجموعه سیاست‌ها بر اقتصاد مردمی، عدالت و توجه بر افشار کم درآمد و متوسط جامعه شده، دلالت‌های سیاستی از سوی کارشناسان و مسئولان اقتصاد مقاومتی برای رفاه اجتماعی مشاهده نشده است. لذا به نظر می‌رسد مثبت بودن پاسخ به این سؤال‌ها می‌تواند زمینه علمی و عملی را برای بازتبین دلالت‌های رفاهی در مجموعه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی فراهم کند و با نشان دادن امکان و حتی ضرورت تعامل دوسویه دو مقوله تاب‌آوری و رفاه اجتماعی، برنامه‌ریزان و نخبگان عرصه رفاه اجتماعی کشور را با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آشتی دهد و زمینه تفاهم و هم‌زبانی بین آنها را ممکن سازد. همچنین سعی شد تا با ارائه یک مدل مفهومی جامع، این امکان فراهم شود که از یک سو، در سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی‌های رفاه اجتماعی هم‌زمان به مقوله تاب‌آوری و هم به مقاوم‌سازی اقتصادی توأمان توجه شود و از سوی دیگر و مسئولیت‌پذیری اقتصاددانان حوزه تاب‌آوری نسبت به مسائل رفاهی جامعه برانگیخته شود.

به همین منظور، ابتدا با مروری مختصر بر ادبیات رفاه اجتماعی و ذکر برخی از مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه و همچنین مروری بر مبانی نظری و مدل‌های



مفهومی تاب‌آوری اقتصادی، مؤلفه‌های مشترک میان دو حوزه مذکور استخراج شد و از آنجایی که شاخص ترکیبی لگاتوم یک مدل مفهومی جامع در معرفی و سنجش رفاه اجتماعی، و مدل مفهومی PEOPLES نیز مدلی نسبتاً جامع در باب مقوله تاب‌آوری اقتصادی است، با مبنا قرار دادن این دو مدل و تکمیل آنها با سایر مؤلفه‌های مشترک میان دو حوزه، یک شاخص ترکیبی به نام لگاتوم - PEOPLES را معرفی کردیم که در ادبیات رفاهی و همچنین تاب‌آوری اقتصادی سابقه نداشته است. به نظر می‌رسد در شرایطی که سیاست‌گذاران رفاهی نباید از نظریه‌ها و شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی غافل شوند و نظریه‌پردازان اقتصادی نمی‌توانند نسبت به مباحث رفاه غفلت کنند، شاخص ترکیبی لگاتوم - PEOPLES می‌تواند به مثابه یک ابزار کارآمد در اندازه‌گیری وضع موجود و البته هدایت و راهنمایی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برای رسیدن به وضع مطلوب عمل کند.

منابع

- پیغامی، عادل، مصطفی سمیعی نسب و یاسر سلیمانی (۱۳۹۴)، مقاومت‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف: مبادی علمی و نظری، گروه مطالعات اقتصادی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۱)، مبانی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- سازمان برنامه (۱۳۵۷)، شاخص‌های اجتماعی ایران، تهران.
- سجادی، معصومه سادات (۱۳۹۴)، «وضعیت نامناسب رفاه اجتماعی و تضعیف امنیت اقتصادی»، ماهنامه امنیت اقتصادی، به سفارش مرکز بررسی‌های راهبردی امنیت ملی، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۵)، نظریه‌های رفاه جدید، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- موسوی، میرطاهر و محمدعلی محمدی (۱۳۸۸)، مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانژه.
- میجلی، جیمز (۱۳۸۷)، رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه محمدتقی جغتایی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، چاپ اول.
- هزار جریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۹۱)، آناطومی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.



- یزدانی، فرشید (۱۳۸۲)، «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی و تأمین اجتماعی)»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.

منابع لاتین

A CARRI Report (2013), *Definitions of Community resilience: an analysis*, community & regional resilience institute.

David Platt(2013), *Resilient futures creating opportunity ahead of complex change*, Resilient Futures network .

Document of the World Bank ,(2010) *Croatia Social Impact of the Crisis and Building Resilience* ,Human Development Sector Unit ,Europe and Central Asia Region.

Lino Briguglio ,(2014)*A VULNERABILITY AND RESILIENCE FRAMEWORK FOSMALL STATES* ,University of Malta.

L . Briguglio,G .,Cordina,N .,Farrugia ,S & .,Vella ,(2009) ,Economic vulnerability and resilience :Concepts and measurements .Oxford Development Studies.

M .Papadrakakis ,M .Fragiadakis ,V .Plevris ,(2011) *THE P.E.O.P.L.E.S. RESILIENCE FRAMEWORK :A CONCEPTUAL APPROACH TO QUANTIFY COMMUNITY RESILIENCE* ,*COMP DYN 2011,3 rd ECCOMAS* Thematic Conference on Computational Methods in Structural Dynamics and Earthquake Engineering.

OECD ,(2014) *Society at a Glance* :2014 OECD Social Indicators ,OECD Publishing.

Prof.Uwe Schimank, (2011)*The Fragile Constitution of Contemporary Welfare Societies* :A Derailed Functional Antagonism between Capitalism and Democracy ,Institut für empirische und angewandte Soziologie (EMPAS) Universität Bremen.

Ron Martin (2011), *Regional economic resilience*, hysteresis and recessionary shocks , Journal of Economic Geography .

Ron Martin* and Peter Sunley(2013),On the Notion of Regional Economic Resilience:Conceptualisation and Explanation, Department of

Geography, University of Cambridge, UK (rlm1@cam.ac.uk) School of Geography, Southampton University, Submitted to Journal of Economic Geography.

Rose (2007), Economic resilience to natural and man-made disasters: Multidisciplinary origins and contextual dimensions. Environmental Hazards.

Stephane Hallegatte(2014), *Economic Resilience Definition and Measurement*, The World Bank, Climate Change Group ,Office of the Chief Economist.

Thorvaldur Gylfason, *Bengt Holmström, Sixten Korkman*, Hans Tson Söderström, Vesa Vihriälä(2010), Nordics In Global Crisis Vulnerability and Resilience(The Research Institute of the Finnish Economy (ETLA)).

